

ایران از منظر فووریه

• مینا احمدیان

اطلاعی ندارند و آن در حکم پرده ایست که کم و بیش حقایق مربوط به شاه ایران در آن نقاشی شده».

فووریه در سال ۱۸۴۲ م. در فرانسه متولد شد. در سال ۱۸۶۵ م. تحصیلات خود را در رشته طب در دانشکده طب استراسبورگ به اتمام رساند. آن گاه به عنوان پزشک ارتش چندین سال به خدمت در بیمارستان های نظامی مشغول شد. در ۱۸۷۳ م. عازم مونتنگرو شد. پس از چند سال در ۱۸۷۹ م. بار دیگر به خدمت در ارتش پیوست. در ۱۸۸۵ م. برای بار دوم به مونتنگرو رفت و در دربار پادشاه آنجا به خدمت مشغول شد.

در ۱۸۸۹ م. / ۱۳۰۶ ه. ق. که ناصرالدین شاه برای بار سوم به اروپا سفر کرد، دکتر طولوزان، طبیب مخصوص شاه، در این سفر تقاضای مرخصی کرد تا چند ماهی در پاریس بماند. از این رو وزارت امور خارجه فرانسه به جای او دکتر فووریه را که از دربار مونتنگرو مرخص شده بود، به عنوان طبیب مخصوص شاه ایران در اول اوت ۱۸۸۹ م. / دوم ذی حجه ۱۳۰۶ ه. ق. به وسیله دکتر طولوزان به ناصرالدین شاه معرفی کرد. ناصرالدین شاه در روزنامه خاطرات خود درباره او می نویسد:

«طولوزان یک حکیمی آورد حضور که اسمش فووریه بود، این حکیم فرانسه ایست، فرانسه ها این را چندی داده بودند به رئیس پرنس مون تنقرو مدتی آن جا بوده. حالا آمده است. لباس نظامی پوشیده بود. معلوم می شود حکیم نظامی است. جوان خوش قد خوش ترکیب خوش بنیه خوش صورت زرتگی است. چون طولوزان می خواهد چند ماهی در پاریس باشد، از ترس این که مبادا در نبودن او حکیمی از غیر از فرانسه برای ما بیاورند، این حکیم را آورده بودند که نایب خودش بکند پیش ما تا خودش بیاید ما هم قبول کردیم و قرار شد با ما تهران بیایند...»^۱

فووریه از آن تاریخ تا ۱۲۶ اکتبر ۱۸۹۲ م. ملازم رکاب همایونی شد.



■ سه سال در دربار ایران
 ■ نوشته: ژان باتیست فووریه
 ■ ترجمه: عباس اقبال
 ■ ناشر: مؤسسه مطبوعاتی علمی،
 چاپ دوم، ۱۳۶۳

ژان باتیست فووریه، طبیب فرانسوی، مدت سه سال (۱۳۰۶ - ۱۳۰۹ ه. ق.) در دربار ناصرالدین شاه قاجار خدمت کرد و دیده ها و شنیده های خود را با دقت تمام به روی کاغذ آورد که حاصل آن اثری مشهور با عنوان سه سال در دربار ایران است. این اثر یکی از مآخذ مهم درباره اواخر حکومت ناصری است. خود فووریه (البته با اغراق) در باب اهمیت این اثر می نویسد:

«من که مدت چند سال طبیب مخصوص اعلیحضرت ناصرالدین شاه و شاهد عینی زندگانی روزانه ی او بوده ام، چیزهایی دیده ام که نه تنها هیچ مسافری نمی تواند بر آن ها اطلاع یابد، بلکه آگاهی از آن ها بر هر کسی نیز که در ایران مقیم باشد مشکل است. این سفرنامه شرح همان مشاهداتی است که دیگران از آن ها

کتاب فووریه علاوه بر شرح خاطرات سفر یک اروپایی به ایران، به لحاظ توصیف مکان های تاریخی و بیان موقعیت جغرافیایی مناطق و شرح و بسط دیدگاه های عرفی و مذهبی و بیان وضعیت مردم ایران در عهد ناصری نیز حایز اهمیت است



◀ سردر امارت الماسیه،
دوره ناصری

دیدن وضعیت اسفبار نقاط
مختلف ایران و ایرانیان در
عصر ناصری فووریه را به
تأسف واداشته و اودر
جای جای خاطرات خود به
این مسئله اشاره کرده
است

حراج مقام و منصب ذکر کرده است. فووریه درباره بازار داغ امتیازات این گونه اظهار نظر می کند:

«در این ایام امتیاز بانکی به صورت بانک استقراضی به دو نفر روس یکی به نام پولیا کف، دیگری به اسم رافالوویچ داده شد و خیال این دو تن این بوده است که امتیاز راه آهنی را نیز در ایران بگیرند، ولی به تحصیل این امتیاز ثانوی توفیق نیافته اند. چنین به نظر می رسد که با اعطای این امتیازات پی در پی ایران بالاخره به تمامی به دست خارجیان بیفتد.»^۲

حراج مقام و منصب درد دیگر مردم ایران بود که فووریه به آن اشاره کرده است. گویا در عصر ناصری کسب مقام در گرو لیاقت های فردی نبود، بلکه داشتن مقام و منصب در گرو میزان پولی بود که به شاهنشاه پیشکش می شد. فووریه درباره ی نحوه خریدن این مقام ها نیز چنین می نویسد:

«همین او اواخر امین السلطان شش کیسه پر تقدیم کرد و چهار روز قبل سرتیپ عباس قلی خان، شاگرد سابق مدرسه مهندسی نظام پاریس که حالیه آجودان وزیر جنگ است، از همین قبیل کیسه ها با عریضه ای سر به مهر پیش شاه گذاشت و امروز صبح هم مشیرالدوله کیسه ی بزرگی که تا به حال من به آن بزرگی ندیده بودم، به حضور ملوکانه آورد. تمام این کیسه ها پر از پول طلاست و تقدیم آن ها به منظور گرفتن مقامی است. در سلسله مراتب اجتماعی ایران، هیچ کاری بدون پیشکش صورت نمی گیرد و چون این تقدیمی به منزله قیمت خرید مقامی است که تقدیم کننده طالب تحصیل آنست، اهمیت آن به خوبی واضح می شود.»^۳

چون کتاب هایی نظیر سه سال در دربار ایران بدون حمایت دربار نوشته می شد، نویسندگان در بازگو کردن مسائل هیچ گونه قید و شرطی نداشت. بنابراین این گونه متون علاوه بر ارزش تاریخی، از

اواز لحظه ای که همراه شاه از پاریس به قصد تهران حرکت کردند چه را که دیده و برای اوشگفت آور بود، به مدد قلم به حافظه تاریخ سپرد و در این راستا هیچ نکته ای را فراموش نکرد.

کتاب فووریه علاوه بر شرح خاطرات سفر یک اروپایی به ایران، به لحاظ توصیف مکان های تاریخی و بیان موقعیت جغرافیایی مناطق و شرح و بسط مسائل اجتماعی از دیدگاه های عرفی و مذهبی و بیان وضعیت مردم ایران در عهد ناصری نیز حائز اهمیت است.

دیدن وضعیت اسفبار نقاط مختلف ایران و ایرانیان در عصر ناصری فووریه را به تأسف واداشته و او در جای جای خاطرات خود به این مسئله اشاره کرده است، چنان که در ابتدای ورود به ایران درگذر از تبریز که پایتخت دوم ایران و مقرولیعهد بوده، چنین می نویسد:

«ورود ما به تبریز مصادف شد با یک اردو گدا که جلو ایشان را نمی شد گرفت، مگر به زور چماق شاطرها. در واقع از معجزات بود که با این کوچه های تنگ و پرپیچ و خم کسی زیر کالسکه ها نرفت، زیرا که تنگی کوچه و خم های شدید آن ها، در هر قدم کالسکه ها را به توقیف مجبور می ساخت. اگر در بیرون شهرهای بزرگ ما با زشدن منجلاب ها و فاضل آب های شهر به علت عفونت، هوای اطراف را کریه و غیرقابل استنشام می نماید، در این جا بساط فقر و مسکنت که بزرگترین و پلیدترین زخم های پیکر جامعه انسانی است، به وسعت تمام گسترده است.»^۴

هم چنین فووریه در توصیف وضعیت اسفبار اقتصادی ایرانیان که با وطن فروشی دولتیان تغذیه می شد، به کوتاه نگری و برداشت های سطحی مردم از مسائل، دورویی ها و دودوزه بازی های رجال درباری در کسب مقامات و سرکسبه کردن بیشتر رعیت و دیگر بدبختی ها اشاره کرده است.

او دو عامل عمده عقب ماندگی مردم ایران را فروش امتیازات و



چون کتاب‌هایی نظیر «سه سال در دربار ایران» بدون حمایت دربار نوشته می‌شد، نویسنده در بازگرددن مسائل هیچ‌گونه قید و شرطی نداشت. بنابراین این‌گونه متون علاوه بر ارزش تاریخی، از ارزش وقایع‌نگاری نیز برخوردارند

ارزش وقایع‌نگاری نیز بر خورد دارند. البته در مطالعه این قبیل کتاب‌ها همواره باید جانب احتیاط را نگه داشت و درستی مطالب آن‌ها را با دیگر منابع سنجید.

از دیگر نکات قابل توجه کتاب ترسیم تصویر شخصیت‌های دوره ناصرالدین‌شاه توسط نویسنده است. فووریه با معرفی شخصیت‌هایی چون **محمدحسن خان اعتمادالسلطنه** که جزو فهیم‌ترین افراد عصر قاجار به شمار می‌رفت، نقاط ضعف دربار را نشان داده است.

در ابتدای کتاب که هم‌زمان با ابتدای سفارش به ایران است، چون هیچ‌گونه شناختی از افراد ندارد، آن‌ها را با توجه به ظواهر و رفتارشان توصیف می‌کند. به عنوان مثال از مصاحبت با محمدحسن خان اعتمادالسلطنه اظهار سرور می‌کند و می‌نویسد:

«اعتمادالسلطنه هم‌که سابقاً سمت منشی‌گری سفارت ایران را در پاریس داشته، مرد فاضلی است و در تاریخ و ادبیات مملکت خود تبحر دارد و تحت اسم خود یعنی محمدحسن خان تاکنون چند کتاب ذیقیمت منتشر کرده و من از این‌که چنین همسفری دارم و از صحبت‌های شیرین او استفاده می‌کنم، خوشحالم»^۵

اما بعد از ورود به تهران (۲۴ صفر ۱۳۰۷/۱۲۰ اکتبر ۱۸۸۹) و رفت و آمد به دربار و ملازمت با شاه و با توجه به تجربه‌ای که از نزدیکی با او کسب کرده بود، درباره خصوصیات اخلاقی او چنین می‌نگارد:

«اعتمادالسلطنه که مردی فوق‌العاده زیرک است و نبض شاه را کاملاً در دست دارد، در این ترجمه (ترجمه اخبار روزنامه که جزو عادات ناصرالدین شاه بود) به خوبی اقتضای مزاج عالیحضرت را رعایت می‌کند و مطالب را طوری به قاب ترجمه می‌ریزد که مورد پسند شاه واقع شود. آن وقت شاه قاه‌قاه می‌خندد. اما وقتی که با مطالب خطرناکی دست به گریبان می‌شود و در بیان آن‌ها به اشکال برمی‌خورد، من بیچاره را به زحمت می‌اندازد و شاه در آن باب از من توضیحاتی می‌خواهد»^۶

او در جریان فروش امتیازات نیز دست از سر اعتمادالسلطنه برنمی‌دارد. مطلبی که در این باره نقل می‌کند، طی مشورتی است که اعتمادالسلطنه با او کرده است: «اگرچه فیلی پارسندی به دست خود به اعتمادالسلطنه سپرده است که در موقع انتشار سهام شرکت معادل ۹۵۰۰۰ فرانک سهم به او واگذارد، ولی او (اعتمادالسلطنه) عقیده دارد که این کار سرگرفتنی نیست. چه او به تجربه دریافته است که این قبیل امتیازات که هر سال چند عدد از آن نوع داده می‌شود، هیچ‌یک صورت عمل نمی‌یابد. تنها نفع آن به رشوه‌گیران می‌رسد و نصیب صاحبان سهام جز ضرر و تخطئه چیزی دیگر نیست. به عقیده اعتمادالسلطنه سر فیلی پار هم‌شیره خوبی مالیده شده و امتیاز دهندگان باکمال مهارت او را تا قیام قیامت خواهند دواند. با تمام این

احوال چون اعتمادالسلطنه هنوز مایوس نبود، نوشته فیلی پار را به من نشان داد و می‌خواست که آن را ولو به ضرر باشد، به دیگری بفروشد و چون مرد ادیبی است لابد می‌خواهد به فحواً این مثل که «سیلی نقد به از حلوائی نسیه است، یا به گفته حضرت مسیح (ع) که می‌گوید «یک بگیر بهتر از دو خواهی گرفت» است عمل کند. تمام اضطراب اعتمادالسلطنه از همین بابت است که مبادا به پول موعود نرسد و الا چیزی که غم آن در میان نیست، ایران و مصلحت آن است.»

نقش طبقه روحانیت در جامعه عصر قاجار، وضعیت حرمسرا و نفوذ زنانی چون **امینه اقدسی** در دربار که تمام توجه شاه را به برادرزاده‌اش **ملیحک معطوف** داشته بود، نیز از جمله مطالبی است که در کتاب به تفصیل آمده است.

سرانجام فووریه در ۱۳۰۹ ه.ق. پس از پایان قضیه تنباکو و در بازگشت از سفر فراهان که وبای عمومی در ایران شیوع یافته بود، با وجود خستگی از سفر و تلاشی که در معالجه بیماران کرده بود، وقتی با اوضاع آشفته تهران مواجه شد از ناصرالدین شاه تقاضای مرخصی کرد. شاه نیز با دادن درجه‌ی اول نشان شیر و خورشید، او را از حضور خود مرخص نمود.

سرانجام فووریه در بیست و ششم اکتبر ۱۸۹۲ م. / چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۱۰ ه.ق. از تهران عازم فرانسه شد و در بیست و سوم نوامبر / سوم جمادی الاول سال مذکور به فرانسه رسید و به خدمت ارتش پیوست، اما پس از یک سال به علت نفاقت از کارکناره‌گیری کرد و در ۱۸۹۵ م. از خدمت دولتی بازنشسته شد.

او با یادداشت کردن خاطرات خود نامی ماندگار در تاریخ ایران و فرانسه کسب کرد، به طوری که کتاب او بار اول در ۱۹۰۰ م. و بار دوم در ۱۹۰۶ م. در پاریس به چاپ رسید و به دریافت جایزه از آکادمی فرانسه نایل شد. ترجمه این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۲۶ شمسی در تهران به چاپ رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ناصرالدین شاه قاجار، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضی‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۷، ص ۱۹۲.
۲. فووریه، ژان باتیست، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳، صص ۵۱-۵۰.
۳. همان، ص ۱۴۸.
۴. همان، ص ۱۳۰.
۵. همان، ص ۲۱.
۶. همان، ص ۱۱۴.